

## مبانی فقهی مشروعیت اخذ جریمه دیرکرد بانکی

امیرحسین علی خانی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

[Amirhoseinalikhani78@gmail.com](mailto:Amirhoseinalikhani78@gmail.com)

علیرضا علی خانی

مدرس حوزه علمیه قزوین

[Alimorteza618@gmail.com](mailto:Alimorteza618@gmail.com)

مهرداد نوری

دانش آموخته کارشناسی مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

[Mehrdad.nouri71@gmail.com](mailto:Mehrdad.nouri71@gmail.com)

### چکیده

جریمه دیرکرد در نظام بانکی کشور به صورت امری رایج در بین جامعه ایران به وجود آمده و به شدت بخش اعظمی از مباحث فقهی-اقتصادی کشور را درگیر خود کرده به صورتی که طیف‌های مختلفی از فقها و صاحب‌نظران آن را مصداقی از ربا دانسته و بر حذف آن با ادله و مستدل‌های دینی خود اهتمام می‌ورزند. حال آن که تعمیم و ساده انگاشتن موضوعات مخصوصا اقتصادی که در حوزه شرعی قرار گیرد نوعی جهالت بوده که نتیجه آن صرفا گسست هر چه بیشتر فاصله شرع و موضوعات اقتصادی و بانکی میشود. از این رو هدف، شناخت صحیح و کارشناسی دقیق موضوعاتی است که در صدد اعلام حکم برای آن موضوع می باشد. تاخیر مشتریان یا فرد مدیون در بازپرداخت تسهیلات یا دینی که از بانک یا دائن دریافت کرده بر ذمه او میباشد. در این پژوهش تلاش میشود با شناخت منابع فقهی و تطابق آن با نص صریح دینی اسلامی به یک جواب مستدل در زمینه دریافت جریمه دیرکرد ارائه شود. سوال اصلی پژوهش حول محور گزاره روبرو عنوان شده که با رویکردی فقهی و بررسی منابع مکتوب سعی در ارائه پاسخی مختصر در عین حال کارآمد دارد: آیا جریمه دیرکرد، خسارت تاخیر تادیه و یا حتی پرداخت وجهی نسبت به ضرر و خسارت نسبت به ارزش یا مال دائن در صورت عدم پرداخت قسط در عقود معامله‌ای و بانکی مطابق با شرع مقدس میباشد؟

کلمات کلیدی: جریمه دیرکرد - دین - مدیون - بانک - ربا

## مقدمه

انسان از بدو تولد خویش به دنبال کسب منفعت هرچه بیشتر حتی با وجود آسیب به دیگران در صدد رفع نیازهای بدون حصار خود بوده. هنگامی که قرارداد اجتماعی بر زندگی انسان سیطره یافت انسان خود را در برابر مناسبتی میدید که با وجود محدودیت ها برای او سودآور بود. قرارداد اجتماعی توافقی است بین افراد جامعه که انسان را در برابر اراده عام قرار میدهد و با وجود از دست دادن آزادی طبیعی خود آزادی اجتماعی را کسب میکند. (روسو، 1390)

در جامعه امروزی ما قوانین و شریعت اسلامی بر مناسبات ایرانیان سیطره دارد. اسلامی که بدون هیچگونه ایدئولوژی خاصی دربرگیرنده تمامی ابعاد زندگی انسان برای نیل به غایت اصلی یعنی سعادت فرد میباشد. اقتصاد امروزی ما و قوانین بانکداری هم به صورت عموم و خصوص من وجه در برگیرنده احکام اسلامی است که شریعت و سنت الهی بر آن سیطره دارد. مسائل اقتصادی و به صورت تخصصی تر بانک ها و به صورت جزئی تر معاملات بین اطراف و افراد در جامعه ایرانی متکی و متوجه نسبت به نص دینی و اسلامی است. فقها و اندیشمندان دینی نسبت به این مسائل به ابراز عقاید و صدور آرای متفاوت پرداخته اند تا ضمن نسبت سنجی مسائل معاملاتی و در حوزه این پژوهش (جریمه دیرکرد) با ارائه الگویی صحیح و فاقد هرگونه شبهه به بیان مسئله و حل مشکل مشروعیت آن بپردازند. دریافت جریمه دیرکرد سابقه ای طولانی در معاملات بانکی بین مدیون و دائن داشته تا اینکه بعد از انقلاب اسلامی نسبت به قانونگذاری بر روی این مسئله شک ها و شبهه هایی در میان اندیشمندان علوم بانکی و علوم دینی به وجود آورد. جریمه دیرکرد همانطور که به صورت سطحی و ظاهری به آن پرداخته شده عملی حرام بوده و پول و اصله به مانند ربا میباشد که استفاده از آن جایز نیست؛ بدین منظور شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران با همکاری نظام بانکی کشور قوانین مربوط که خسارت تاخیر تادیه و دریافت جریمه ای به منظور جبران لطمه مالی به ارزش پول واصل نشده نسبت به سیاستگذاری پرداختند که با مخالفت طیف وسیعی از فقها روبه رو شد.

استدلال و باور گروه منتقد به این بود که دریافت مبلغ مضاف بر ارزش و دین اصلی که همان راس المال میباشد جایز نیست زیرا این عنوان تحت موضوع دین است که قراردادهای مبادله ای و مشارکتی هم جزو آن میباشد. حتی ذکر آن در قرارداد هم باطل میباشد زیرا بر یک اصل غیرمجاز نمیتوان قرارداد و عهده برقرار کرد. فقها این استدلال ها را بیان کرده و درصدد بیان تشبیه دریافت جریمه دیرکرد با موضوع ربا برآمدند.

با ظهور این مسائل و مشکلات، مشروعیت این امر زیر سوال رفته و بعد از گفتگو و زد و خورد اندیشه میان فقها و صاحب نظران به مسئله ای تحت عنوان اشتراط کیفی از نوع مالی و پولی نائل آمدند؛ این موضوع متفاوت از ربا بوده که به منظور تنبیه مشتری و مدیون خاطی نسبت به عدم پرداخت قسط سر رسید دین خود به دائن مشخص شده و در واقع غرامتی است که به بانک یا صاحب مال پرداخت میشود.

در این جستار ما درصدد پیدا کردن پاسخی برای مشروعیت یا عدم مشروعیت جریمه دیرکرد میباشیم. زیرا بیان و توضیح این مسائل و نسبت سنجی فقهی آن با نص صریح دین، به تبیین امور عقود بانکی و معامله ای آن میپردازیم. این موضوع آنجا باعث جدل میشود که بعضی فقها نسبت به حرمت پرداخت جریمه دیرکرد فتوا داده و دلیل خود را مشابهت آن با ربا میدانند.

## روش تحقیق

از آنجایی که موضوع پژوهش حاضر با روش های آزمایش تجربی و سری های زمانی و ... قابلیت راستی آزمایی ندارد فلذا مراجعه مستقیم به شواهد و تفسیر و انطباق آن با نص صریح است البته از روش تحلیل محتوای کیفی و بررسی آن در حین انجام کار میتواند به بهبود پاسخ پژوهش کمک برساند. مراجعه به مباحث داوری-ادله‌ی شرعی-سیره و آیات قرآنی و احادیث و همچنین مطالعه اسناد و منابع مکتوب فقهی و بررسی آن به عنوان راهنمای پژوهشگر به کار گرفته میشود.

به دلیل دشواری و صرف هزینه‌ی بسیار زیاد و همچنین داشتن محدودیت زمانی، برای بررسی تک تک مصادیق و کتب فقهی مرتبط با موضوع پژوهش، چاره‌ای جز استفاده از استقرای ناقص نمیباشد؛ بدین صورت که بخشی از شواهد را جمع آوری کرده و نتیجه را تعمیم میدهیم. نکته حائز اهمیت این است تا جای ممکن سعی در جمع آوری مطالب و مطالعه اسناد و کتب برای ارائه پاسخی جامع تلاش و کوشش شده است. در این پژوهش به دلیل کیفی بودن معرفت شناختی و هستی شناختی آن، سعی بر مطالعه اسناد و منابع مکتوب درست و صحیح میباشد.

## ادبیات پژوهش

برای انجام پژوهش در گام اول باید به سیری در ادبیات پیشینی تحقیق بپردازیم. بدین منظور کتب و اسناد مطالعه شده، اولویت بندی، بررسی، طبقه بندی، نقد و نتیجه گیری میشود. این پژوهش به یکی از دغدغه های اصلی زد و خورد های تقابل میان آرای فقهی در حاشیه ربا و جریمه دیرکرد میپردازد و پژوهنده به عنوان راجع به کتب دینی پاسخ این مسئله را روشن میکند. اما تاکنون به صورت جامع و مدون اثری در این مورد از طرف نویسندگان و اندیشمندان بی طرف نوشته و پرداخته نشده و اغلب کارهای موجود به صورت پراکنده و مصاحبه های فقهی کوتاه و یا نوشتارهایی از سمت صاحب منصبان نظام اقتصادی کشور میباشد. حال سعی بر آن شده تا با بررسی آرای فقهی این موضوع در زمینه نظام بانکی کشور تبیین و مشخص شود.

### 1- حجیت عدم مشروعیت دریافت جریمه دیرکرد

همواره طیفی از فقها بر غیرمشروع بودن اخذ جریمه دیرکرد مشروط در قراردادهای بانکی به دلیل تفاوت در منبع هستی شناختی آن با بانکداری اسلامی دانسته و مستدل کردند که اخذ هر مبلغی مضاف بر فرض اصلی دین ذیل عنوان جریمه، خود نمای مصداق ربا و حرام میباشد؛ فلذا دلایل زیر مطرح میشود:



### 1-1- عدم مشروعیت ادله‌ی اول

هیچ اختلاف و اشکالی در عدم جواز تاخیر قیمت مبیع و هر چیز دیگری از حقوق مالی در مقابل مبلغ زیادتر وجود ندارد و به دلیل کتاب و سنت و اجماع ربای حرام است خواه در بیع باشد خواه در صلح یا جعاله یا در غیر آن. اگر در عقد دیگری هم شرط شود این شرط مفسد است و حرام را حلال نمیکنند. (نجفی، 1395)

در رویه بعضی بانک ها در مقابل مهلت به فرد مقروضی که بر سر رسید قسط خود دین خود را نپرداخته، تحت عنوان جریمه دیرکرد نسبت به اخذ آن در برابر افزایش تاریخ مقرر شده میپردازند. در ایجاد اشتراط برای اخذ جریمه دیرکرد در قراردادهای مالی در صورت عدم پرداخت قسط مقروض در سر رسید خود به بانک دائن این مجوز داده میشود که نسبت به اخذ مبلغی فراتر از مبلغ اصلی دین مبادرت ورزد؛ در این امر به گیرنده پول یا ارزشی که اخذ کرده است این اجازه داده میشود که نسبت به تاخیر خود در پرداخت اقساط خود مبلغی اضافه تر از ارزش بازپرداختی مقرر شده در تاریخی فراتر از موعد مقرر مبادرت ورزد که همانند تمدید مدت بازپرداخت در قبال صعود ارزش مقروض شده میباشد که با توجه به حکم فقهی منبعث از شرع، مصداق ربای جاهلی بوده، اخذ آن حرام و جایگاهی مشروع ندارد.

هیچ اختلافی در مسئله عدم جواز تاجیل ثمن حال به زیادتر در مطلق دیون نیست زیرا رباست و حقیقت ربای قرضی هم راجع به قرار دادن مبلغ اضافه در مثالی امهال به قرض گیرنده و به تعویق انداختن زمان مطالبه دین است. (انصاری، 1392)

همانطور که بیان شد تمدید مدت پرداخت در مقابل افزایش بدهی فرد مقروض یکی از مصادیق ربا به شمار آمده و مصداق شرط انتفاع میباشد فلذا طبق استدلال حرمت ربای قرضی، گنجاندن این امر در قرارداد، اخذ و امر بر آن حرام است؛ زیرا جریمه دیرکرد در اصل مبلغ مقرری مضاف بوده و آن را باطل میکند. همچنین حرمت آن بر دو صورت میباشد: در مطلق دیون و عقد قرض؛ بدین صورت که در اگر داین در موعد ادای دین مجوز پرداخت مبلغی مضاف بر دین اصلی را به مدیون بدهد مشمول عمل حرام است و قراردادن این شرط هنگام قرارداد جایز نمیشود. (امیدی فر، 1386)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا

ای اهل ایمان، چون به قرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین، سند و نوشته در میان باشد، و بایست نویسنده درستکاری معامله میان شما را بنویسد، و نباید کاتب از نوشتن خودداری کند، که خدا به وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد، و مدیون باید مطالب را املاء کند، و از خدا بترسد و از آنچه مقرر شده چیزی نکاهد. (سوره بقره آیه 282)

ربا دو گونه میباشد:

ربای در قرض

- مبادله کالا نسبت به دریافت زیادتر همان کالا

ربای در بیع

- معامله یک جنس با همان جنس به شرط دریافت مقادیر بیشتر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ



ای کسانی که ایمان آورده‌اند، از خدا بترسید و زیادی ربا را رها کنید اگر به راستی اهل ایمانید. (سوره بقره آیه 278)

مهلت دادن در برابر افزوده شدن بر راس المال و مبلغ اصلی دین حرام بوده و در تمامی عقودی که بر موضوع رد و بدل دین با شد جاری است. حتی محمد سبین طباطبایی در تف سیر خود از کلام الهی بدین گزاره که دریافت زیاده مال در برابر مهلت مصداق ظلم می‌باشد که هم مفعول و هم فاعل را مورد تنبه و سرزنش قرار می‌دهد. (طباطبایی، 1378)

آیت الله خمینی به صورت کلی این امر را حرام دانسته و حتی با وجود تراضی دو طرف معامله و اقرار آنها به قبول مبلغ مضاف، آن را حرام دانسته و دریافت جریمه دیرکرد را مغایر ارزش‌های اسلامی میدانند. (ظهیری، 1383)

### 1-2- عدم مشروعیت ادله دوم

حال آنکه در مورد تاخیر پرداخت مال قرض داده شده به واسطه عدم بازپرداخت به موقع دین موجب ایجاد جراح و خسارتی به داین شود. از نظر فقهی اخذ خسارت از فرد مدیون بابت این امر صحیح نبوده و ضمانی بر مدیون ندارد؛ پس طلبکار حق اخذ و طلب مبلغی بابت جبران خسارات ناشی از دیرکرد و از دست دادن منافع یا منابعی معلول بر این عدم واصل شدن پول را ندارد. قاعده لا ضرر قاعده فقهی برگرفته از متن حدیث (لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام) که دال بر نفی ضرر و زیان زدن به خود و دیگران بوده و 4 احتمال برای معنای آن در نظر گرفته شده:

- جلوگیری از ایجاد ضرر به خود و دیگری به واسطه حرام بودن آن.

- عدم وجود ضرر جبران نشده در اسلام

- نفی حکم دارای ضرر برای فرد

- نفی حکم از طریق نفی موضوع

فقه‌ها بر قاعده لا ضرر اجماع داشته و با توجه به ادله‌ی عقلی و خرد که به طول مستقل صلاحیت دارد نسبت به حرمت ضرر رساندن مبادرت ورزیده و آن را تقبیح می‌کنند. همچنین بنا بر سیره عقلا رسانیدن ضرر و خسارات به دیگران امری مذموم و ناپسند بوده و حتی شارع نسبت به آن مدعی می‌باشد.

با توجه به این قاعده رفتار فقها درباره عدم ضمان آور بودن خسارت عدم النفع می‌باشد و نمیتوان آن را مصداقی از این امر در نظر گرفت و دریافت هر ارزشی مضاف بر مبلغ مقرر شده مجاز نیست.

### 1-3- عدم مشروعیت ادله سوم

مطلب بعدی که فقها با استناد به نص دین و احکام بر آن مستدل میشوند این است که ضمان کاهش ارزش پول یا ارزش مقروض شده مشروع نمی‌باشد؛ این بدین معنی است که اگر مقروض در زمان پرداخت قسط مال قرض گرفته شده را پرداخت نکند و بر اثر زمان کاهش ارزش پول رخ دهد، اخذ جبران ارزش کسر شده فاقد مشروعیت می‌باشد.

هرگونه دریافت مبلغی مضاف نسبت به مبلغی که باید پرداخت شود به منظور جبران فاصله کاهش ارزش پول صحیح نیست و فرد مدیون به هیچ وجه لازم به جبران خسارت ناشی از آن نمیباشد. این استدلال از فهم فقهی خسارت تاخیر منبعث از تورم سرچشمه میگیرد که خود از 5 قاعده تشکیل میشود:



جبران مال یعنی تا جای ممکن خسارت وارده را جبران کرده و بهترین آن تهیه مال مشابه برای صاحب مال است و در غیر این صورت با پرداخت وجهی در خور ارزش مال به جبران مبادرت ورزید.

همچنین این امر به دو گونه مثلی و قیمی است؛ که در گونه اول همانطور که در ماده 950 قانون مدنی آمده است مال مثلی آن است که اشباه و نظایر آن به صورت نوعی زیاد باشد و در صورت وجود خسارت جایگزین آن آسان میباشد به مانند پول. حال آنکه در گونه دوم امکان جایگزین آن وجود ندارد به عنوان مثال خسارت به یک تابلوی خانوادگی و گرانبهای نایاب، که جبران و جایگزین آن عملاً وجود نداشته و مدیون باید به پرداخت قیمت آن مبادرت ورزد. مشخص شد که پول جزو مال مثلی بوده و با توجه به اصل (ضمان واقعی) یا (ضمان مثل و قیمت) جبران کاهش ارزش پول یا ارزش دین بر مدیون و حتی بر امر این موضوع جایز نبوده و مدیون فقط مجاز و ملزوم به پرداخت اصل مال میباشد.

این موضوع را میتوان تحت تصادف با ربا هم مورد تصدیق قرار داد که دریافت مال یا ارزشی مضاف بر مال یا ارزش اسمی و مقرر شده همانند تقابل ربا و منفعت داین است که در صورت پرداخت مالی بیشتر از مقرری ربا میباشد. حال پرسشی پیش آمده که به نکات ضرر وارد شدن به طلبکار چه فرد چه بانک یا موسسه اشاره میکند؛ در مقام پاسخ آنکه با توجه به ماده 356 قانون مدنی عرف و عادت حتی در صورت عدم واقف بودن طرفین، حاکم بر اراده دو طرف میباشد و پول طبق عرف عین ارزش نبوده بلکه کالا و اعتباری است با ارزش و اعتباری مستقل بدون توجه به قدرت و ارزش ارزی وارده بر آن. (یوسفی، 1381)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ

خدا سود ربا را نابود گرداند و صدقات را افزونی بخشد، و خدا مردم بی ایمان گنه پیشه را دوست ندارد. (بقره آیه 276)

حال آنکه تورم از اراده فرد مدیون خارج بوده و از آن جایی که چه ارزش و اعتبار یا همان پول قرض داده شده به صورت سکوت باقی میماند و چه به صورت دین به مدیون داده میشود اثر تورم بر آن مترتب بوده و ارزش آن کاهش پیدا میکرد و بدین صورت جبران ارزش اضافه شده بر فرد مقروض نمیشد (لنکرانی، 1384)

همچنین اخذ جریمه برای کاهش ارزش پول از قاعده عدل و داد که از اصول اساسی شریعت اسلامی رد شده و در بدهی فرد مدیون بی درنگ باید تساهل را روا داشت؛ همانطور که این استدلال بر اجماع فقها استوار میباشد و مستدل میشوند که اگر کالایی وام داده شود، یا غصب گردد و یا گونه های دیگر دین، اتفاق افتد و آن کالا نابود گردد، اگر قیمی است باید قیمت آن را

و اگر مثلی است باید مثل آن، به عنوان جایگزین و برای نگهداشت قاعده عدل و داد، پرداخت گردد قاعده مثلی و قیمی، در واقع قاعده عرفی نگهداشت قاعده اساسی عدل و داد است. (حرعاملی، 1386) این گزاره از آیت الله خمینی هم متکی بر قاعده عدالت میباشد که در قدرت خرید پول در مسئله دین و قرض رابط نیست و فرد ضامن اصل پول است. (قربانیان، 1379)

حتی سید کاظم حائری در مقام پاسخ به پرسشی در باب وام با احتساب نرخ تورم بدین گونه با توجه به گفته امام موسی بن جعفر (ع) به اسحاق بن عمار بر می آید که:

عن اسحاق بن عمار قال: قلت لابی ابراهیم (علیه السلام): الرجل یكون له علی الرجل الدنانیر فیأخذ منه دراهم، ثم یتغیر السّعر، قال: فهی له علی السّعر الذی أخذها یومئذٍ، وان أخذ دنانیر و لیس له دراهم عنده فدنانیره علیه یأخذها برؤوسها متی شاء گرفتن وام، با احتساب نرخ تورم جائز نیست. دلیل آن ذیل موثقه اسحاق بن عمار است که در فرض تغییر قیمت دینار وارد شده و آن ذیل این است: (و ان اخذ دنانیر و لیس له دراهم عنده فدنانیره علیه یأخذها و برؤوسها متی شاء. (حرعاملی، 1386)

با دیدگاهی فقهی برگرفته از آرای فقها تبیین میشود که که بدهکار نسبت به کاهش ارزش پول به نسبت زمان پرداخت سرر سید الزامی به جبران خسارت نداشته و ضمان آور نمیشود. تورم و اثر آن بر پول قرض گرفته شده نسبت به سرر سید بازپرداخت و گذشت زمان با توجه به کاهش ارزش پول طلبکار را بر آن نمیداند که نسبت به جبران خسارت ناشی از آن برآید.

## 2- اصول چگونگی دریافت مشروع جریمه دیرکرد

پرداخت به موقع دین از تکالیف الهی بوده و از نظر نص صریح واجب شرعی است که بر مدیون امر ادای دین را مفروض میشود. حال آنکه عدم پرداخت آن نه تنها جایز نبوده بلکه ظلم نیز میباشد. (طباطبایی، 1390) حال پس از بررسی عدم مشروعیت دریافت جریمه دیرکرد به 2 گونه متفاوت میتوان نسبت به دریافت جریمه دیرکرد از مدیون مبادرت ورزید که از نظر شرعی مشکلی ایجاد نمیکند: 1- تعزیرات مالی. 2- اشراف کیفی

### 1-2- تعزیرات مالی

تعزیر در حقوق کیفی به معنای مجازاتی است برای جرائمی خارج از حقوق جزای اسلامی بوده و در معنی فقهی خود به کیفی اطلاق میشود که در قانونگذار حدی تعیین نکرده و با توجه به کمتر بودن حد مجازات و تعیین آن با صلاحدید قاضی است.

اولویت قطعی

اعتبار عقل

دلایل ولایتی بر مسند فقیه

با توجه به موضوع ظلم در امر عدم پرداخت دین توسط مدیون و از منظر معرفت شناختی احادیث و سیره انبیا، حاکم شرع و وقت میتواند نسبت به تعزیر بپردازد. یکی از صورت های متداول تعزیر، جریمه و مجازات مالی است و بنابر تشخیص حاکم به اخذ جریمه برمی آید. همانطور که در فقه ابواب مختلفی بر یک باب وجود دارد دلایلی هم برای ثابت کردن جواز تعزیرات مالی بر مدیون وجود دارد:

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او، نیکیهای هر کس به سود او و بدیهایش نیز به زیان خود اوست. پروردگارا، ما را بر آنچه به فراموشی یا به خطا کرده ایم مؤاخذه مکن. بار پروردگارا، تکلیف گران و طاقت فرسا که بر پیشینیان ما نهاده ای بر ما مگذار. پروردگارا، بار تکلیفی فوق طاقت ما بر دوش ما منه، و بیمارز و ببخش گناه ما را، و بر ما رحمت فرما، تنها آقای ما و یاور ما تویی، پس ما را بر گروه کافران یاری فرما. (بقره آیه 286)

طبق حکم الهی و احکام اسلامی تصرف به صورت مطلق در مالکیت دارایی وجود نداشته و حق مختلفی بر آن متبادر است همچون اینکه کسی نمیتواند صرفاً با استدلال تصرف در مالکیت بدن خود، ضرری برساند. همچنین ضرر رساندن بر مال دیگری حرام بوده و در صورت عدم تراضی و حتی عدم وجود امری دال بر بستر امکان بازپرداخت میتوان طبق نظر قاضی و حاکم مصلحت مالک را تعیین کرد. حاکم که در حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه که توسط اندیشمندان اسلامی مطرح شده میتواند در راس حکومت و هادی جامعه اسلامی قرار گرفته تا بستری امن برای مسلمین به منظور نیل به اعتلا فراهم کند. همچنین در راستای عدم تکرار رفتار ناروای فرد که به منظور تجاوز از قرارداد اجتماعی قلمداد میشود میتواند نوع تعزیر فرد را تعیین کرده و از وقوع احتمالی مخاطره ای جامعه جلوگیری کند. (منتظری، 1379)

پس میتوان عدم پرداخت به موقع دین از طرف مدیون را به عنوان تخلف در حیطة شرع قلمداد کرده و اجرای تعزیر بر آن مشروع و جایز است. پس جریمه ای که توسط حاکم و یا قاضی بر آن تعیین میکند مصداق ربا نبوده و برای عدالت میباشد. حال آنکه اجرای تعزیر و تادیب مالی فرد مدیون به صور مختلفی همچون گزاره های زیر میباشد:

- ایجاد صندوقی متشکله از پول واصله از افراد خاطی برای نیل به کمک و حمایت از نیازمندان

- ایجاد بستری برای حمایت از داین اعم از افراد و بانکها

- جریمه فرد مدیون به نفع جامعه مسلمین که حامی آن دولت بوده که پول واصله به دولت تعلق دارد

- اعطای مجوز به بانک به منظور تادیب مشتریان و اعمال قانونگذاری

- اعطای وام به دائن از طرف مدیون با ملاحظه میزان ضرر

به صورت کلی رویه بانکی کشور تفویض امر قضا به بانک برای نیل به مال خود میباشد که در این زمینه چند متغیر مداخله گر به صورت جزئی بر این قضا تاثیر میگذارد؛ همچون که بین مدیون معسر یا غیر تمایز قائل است. فرد معسر کسی است که به علت عدم دارایی مالی یا حتی دسترس به مال خود توانایی پرداخت را ندارد. البته این موضوع مورد بحث واقع شده و بر آن اختلاف است. آیت الله حسین نوری همدانی تعزیر را فقط مختص به حاکم شرع دانسته و تفویض آن به بانک را امری خطا میدانند. (نوری همدانی، 1374) آیت الله ناصر مکارم شیرازی جریمه دیرکرد را از نظر شرعی ناصحیح دانسته و ربا میدانند زیرا کسانی که توانایی بازپرداخت را دارند ولی از انجام کار سر باز میزنند باید جریمه شوند که آن هم تنها حاکم شرع قانونگذار این مورد است و پول واصله متعلق به بیت المال میباشد. (مکارم شیرازی، 1374)



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ

ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمان ها وفا کنید. (مائده آیه 1)

بر اساس کلام الهی وفای به عهد مورد امر و دستور قرار گرفته و فرد مدیون در قبال بانک یا دائن ملزم به بازپرداخت وجه دریافتی در موقع سر رسید خود میباشد. در نظام بانکی ایران به بدهکاران بانکی فرصتی معین برای بازپرداخت وجه یا تعهدات داده میشوند و چارچوب امهال در دستورالعمل تصویب شده در 15 مرداد 1398 در شورای پول و اعتبار تنظیم و تعیین گردیده است؛ بدین منظور امهال مصادیق مختلفی همچون: توافق مؤسسه اعتباری با مشتری به منظور اعطای مهلت بیشتر برای بازپرداخت با ترتیباتی متفاوت از قرارداد اولیه. تقسیط مجدد، تمدید، تجدید و تبدیل قرارداد و ... دارد. شیوه های امهال هم به دو گونه میباشد: حفظ قرارداد تسهیلات سابق وانجام تغییرات لازم در همان قرارداد - خاتمه قرارداد سابق و امضای قرارداد جدید بین بانک و مشتری.

## 2-2- اشراط کیفی

خسارت تادیه به معنی خسارتی میباشد که به دلیل تاخیر در پرداخت دین یا حتی عدم انجام عملی به وجود می آید که بر اساس نرخ تورم توسط بانک مرکزی کشور اعلام شده و از تاریخ مطالبه دین یا سر رسید قسط تا تاریخ پرداخت محاسبه خواهد شد. البته دلیل اصلی آن کاهش ارزش پول در طول زمان بوده و تراضی طرفین ملاک اصلی میباشد و ملاک فرعی همان نرخ تورم اعلام شده میباشد. به منظور دریافت جریمه در وجود مسئله و خسارتی در عدم بازپرداخت قسط، بانک یا دائن نسبت به اخذ مبلغی به عنوان جریمه زیر عنوان شرط کیفی مبادرت میورزد.

شرط جزا از اصول پیش بینی شده در قرارداد و تراضی طرفین برای استحکام و پایداری تعهدات دو طرف که به عنوان ضمانت اجرا به کار گرفته میشود. همچنین تنها اشاره قانونی به آن در ماده 230 قانون مدنی شده است. در رویه بانکی کشور یکی از روش های ضمانت اجرای توافق که به عنوان شرط کیفی مالی شناخته شده و در تراضی دو طرف به منظور اخذ جریمه و یا جبران خسارات ناشی از عدم تعهد گرفته میشود. جریمه تاخیر عملاً التزامی میباشد که از تقصیر مدیون و نقض تعهد آشکار وی و تخطی از قرارداد ناشی میشود. البته نکته قابل توجه آن است که آن را کیفر نخوانده و به عنوان جریمه دیرکرد در نظر گرفته میشود؛ زیرا جریمه تاخیر دین به طرف مالک مال یا طلبکار یا بانک اعطا میشود حال آنکه پول واصله از جزای کیفر به دولت تعلق دارد. (تسخیری، 1385)

هدف کلی و اصلی این شرط آن است که ضامنی اجرایی برای عمل به مفاد قرارداد در صورت عدم اجرای تعهد یکی از طرفین میباشد. همانطور که گفته شد این مبلغ نوعی جریمه یا کیفر مدنی بوده و به منظور تنبیه طرف خاطی یا متجاوز نسبت به قرارداد است و تابع تراضی طرفین.

در دو صورت ایجاد، شناسایی و اجرایی شرط صحیح نمیشود:

- شرط در برگیرنده معاملات باطل مانند معاملات بر بستر ربا

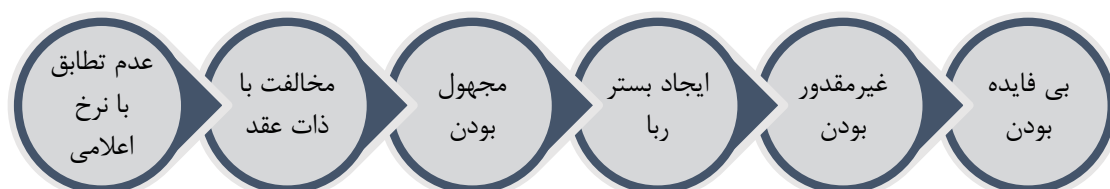
- شرط در برگیرنده الزام باطل مانند تبصره ای که نافه کل قرارداد

زیرا قراردادی که متضمن شرط کیفری است باید دارای شرط صحت و به تبع آن شرط ذکر شده در قرارداد صحیح می باشد و در صورت باطل شدن قرارداد تبصره و شرایط تراضی شده مجری نمی باشد زیرا در قانون همواره شرط، فرع بر اصل یا قرارداد است که از کل تبعیت میکند. پس شرط برای امر حرام یا باطل به صورت کلی باطل است. (کاتوزیان، 1390)

البته ذکر این نکات حائز اهمیت است که بر اساس اصولی که بر اشراط کیفری متبادر است تبصره شرط در قرارداد به عنوان حق در نظر گرفته شده و میتوان نسبت به عزل آن اقدام کرد. شرط کیفری وابسته تام به وقوع خسارت نبوده و بلافاصله بعد از عدم ایفای عمل و سرپیچی متعهد حتی در صورت عدم وجود خسارتی شرط کیفری جاری میشود. همچنین این امر درباره انجام تعهد با تاخیر هم جاری است. شرط کیفری اصولاً همراه با ضمیمه ای ضمان آور همچون کفالت یا رهن می باشد و شرطی بر شرط کیفری مطلق جایز نبوده و حوادث خارج از کنترلی بر آن ترتیب داده نمیشود.

### 3- شرط ضمن عقد

ماده 10 قانون مدنی همواره آزادی را اصل قرار داده و به طرفین این اعتبار را میدهد که توافقات خود را به صرت تعهد و ایجاد شرط در قرارداد خود لحاظ نمایند. با تعمیم به امور اعتباری میتوان مشروط له را کسی دانست که شرط به نفع او و مشروط علیه کسی است که شرط بر او و بر عهده او قرار داده شده. صفاتی که بر این اشتراط جاری میشود عناوینی همچون قرار داشتن در ضمن عقد، مشروع بودن، مقدور بودن، معلوم بودن، معقول بودن و عدم مخالفت با مقتضای عقد می باشد. همچنین ابطال شرط ضمن عقد، اقسامی منبث از بحث بیان اراده دارد:



حال با توجه به منابع فقهی چند عامل برای صحت شرط ضمن عقد به منظور لازم الوفا بودن وجود دارد؛ شرط ضمن عقد باید مفاد مقدور داشته باشد و هرگاه امر به عملی غیرممکن باشد باطل است. هرگونه شرط غیرعقلایی که منفعتی برای مشروط له به دنبال نداشته باشد باطل بوده و شرع آن را قابل الزام نمیداند. شرط ضمن عقد نباید مخالف با کتاب و سنت یا به صورت کلی مغایر با روح شریعت باشد. شرط باید مبین و وضعیت روشنی بوده و مجهول نباشد و همچنین مفاد آن باید منجز باشد. شرطی که با کلیت قرارداد مغایر بوده و با مقتضیات عهد منافات دارد صحیح نمی باشد.

از منظر فقهی شرط در وجود خود، تعهدی است که ضمن عقد دیگری قرار گرفته باشد. (عزیزاللهی، 1393) همچنین صرف شرط در بستر عنصر هستی شناختی خود به مقسم به دو صورت است:

- ابتدائی: تعهدی که مستقل از عقد بوده و مقابل شرط ضمن عقد قرار دارد. (خویی، 1414)

- ضمن عقد: الزامی در قرارداد به نفع یا ضرر طرفین که همواره صفت الزام آور را همراه میباید. حال خداوند در کلام خود در قرآن کریم میفرماید:

وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و آنان که به امانتها و عهد و پیمان خود کاملاً وفا می کنند. (مومنون آیه 23)

در نص صریح و کتب اسلامی و دینی همواره از وفای به عهد سخن گفته شده و وفای به تعهدی برای فرد مسلمان واجب و تکلیف شرعی قلمداد میشود. اگر مشروط علیه از مفادی که به انجام آن متعهد بوده خودداری کند برای نیل به عمل اجبار وی میتوان اقدام کرد. زیرا حقی را ضایع کرده و این حق از آن مشروط له میباشد. امیرمؤمنان (علیه السلام) در فرمان خود به مالک اشتر فرمود: ایاک ان تعدهم فتنبع موعدک بخلفک و الخلف یوجب المقمت عندالله و الناس قال الله تعالی کبر مقتاً عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون. بپرهیز از اینکه به مردم وعده بدهی و تخلف کنی زیرا تخلف از وعده موجب خشم خدا و مردم خواهد شد، چنانکه قرآن می فرماید نزد خدا بسیار خشم آور است که بگویند چیزی را که به آن عمل نمی کنید. (شریف الرضی، 1391) شرط ذات قرارداد بوده و بر آن شرایط بر اشتراط عقد جاری میشود در این صورت جز عرض قرارداد بوده و میتوان نسبت به ساقط کردن تحمیل اقدام کرد. خیار حق و اختیاری اعطایی توسط قانون به طرفین است که به موجب آن مجوز فسخ به اطراف داده میشود. خیار به عنوان یک حق مالی قابل اسقاط توسط دارنده حق میباشد که با تراضی طرفین صورت میپذیرد. پس به خاطر ماهیت رابطه شرط و عقدی که ذیل آن است التزام به عقد معلق بر تحقق مفاد شرط در خارج میباشد و در صورت عدم تحقق شرط خیار فسخ برای مشروط له ایجاد میگردد.

پس شرط جریمه دیرکرد در عقد و قرارداد بانکی صحیح بوده و لازم الاجرا میباشد. زیرا مخالف اصول گفته شده نبوده و بر مدار تراضی اطراف است. در رابطه بین بانک و مشتری خواستار تسهیلات جریمه به صورت یک شرط در تعهد و قرارداد جا گرفته و در صورت عدم تمکین مشروط له به قانون تعهد مشروط علیه مالک بخشی از دارایی توافق شده ی مندرج در قرارداد میشود. شرط تاخیر بر مبنای اشتراط کیفی منبعث از مال مبنی بر التزام به عنوان شرایط مشروع که همسو با شریعت است به آن استناد جست. تصویب نرخ معقول که توسط بانک اعلام شده میتواند مشتریان خاطی را ملزم به پرداخت جریمه برای نیل به عدم اختلال در زمینه بانکی و اقتصادی کشور کرد؛ البته این امر در برابر فرد معسر مورد اختلاف و اشکال است. مدیون معسر به دلایل خارج از اراده خود باعث دیرکرد در بازپرداخت خود شده فلذا مشمول حکم ظلم در حیطة ایفای عهد نمیشود. آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی اخذ دیرکرد را با شرط قبلی مورد توافق را خالی از اشکال میداند. (موسوی اردبیلی، 1395) آیت الله سیدمحمد رضا صافی گلپایگانی جریمه را حرام میداند ولی اگر مدیون به نحو شرعی در ضمن عقد خارج لازم ملتزم شده باشد که اگر از موعد مقرر تاخیر انداخت مبلغ معینی مجاناً بدهد اشکال ندارد. (صافی گلپایگانی، 1400)

#### 4- مشروعیت دریافت خسارت تاخیر تادیه

در دنیای کنونی و نظام اقتصادی سیال خود در مبحث خسارت تاخیر تادیه با موضوعات مختلفی روبرو میشویم؛ چرا که شبهه خلاف شرع بودن این امر مورد بحث بوده و کاوش آشکار در آن را میطلبد. همانگونه که ذکر شد اگر متعهد له در بستر شرایط اطرافی که مدیون و دائن وجود دارد متضرر شود متعهد باید خسارت ناشی از تاخیر را جبران کند؛ در قانون آیین دادرسی مدنی قبل از انقلاب موارد 719-727 مصوب سال 1318 مختص به خسارت تاخیر تادیه و میزان و شرایط آن بود که علاوه بر

آن، ماده 34 قانون ثبت، 36 و 37 آیین نامه اجرایی ثبت، مصوبه سال 1355 حول ماده 11 قانون صدور چک به تادیه خسارت تاخیر پرداخته بودند. در سال های بعد از انقلاب اسلامی شورای نگهبان مطالبه آن را با استناد به اصل چهارم قانون اساسی غیر شرعی اعلام کرد. اما در قانون آیین دادرسی مدنی جدید مصوبه سال 1379، خسارت تاخیر تادیه اعاده شده و در ماده 522 آیین دادرسی مدنی جای گرفت. این ماده دارای ابهام و مشکلاتی هم بود که از شرایط اشتراط آن سرچشمه میگرفت. در ادبیات بانکی رایج امروزه خسارت تاخیر تادیه مترادف جریمه دیرکرد محسوب میشود ولی از لحاظ ماهیت تفاوتی در آن وجود دارد:

جریمه دیرکرد	خسارت تاخیر تادیه
به عنوان وجه التزام و روشی برای تنبیه	دارای ماهیت ترمیمی که زیان وارده را جبران میکند
دریافت در صورت شرط آن در قرارداد	طلب آن بدون وجود شرط آن در قرارداد و مبنی بر ادله خسارت
وابستگی مبلغ آن به تراضی طرفین	وابستگی مبلغ آن به محکمه قانونی
پرداخت بیشتر یا کمتر از میزان خسارت	پرداخت مبلغ به اندازه خسارت وارده
تعزیر مالی و جنبه کیفری	مسئولیت مدنی
مصادره مال واصله به نفع بیت المال	مصادره مال واصله به نفع بانک یا طرف متعهد له

در رابطه با مشروعیت دریافت خسارت تاخیر تادیه بحث و تبادل نظر بین فقها و صاحب نظران دیده شده و هر یک ادله خود را ارائه میدهند. حال برای مشروعیت این امر دلایلی که ارائه شده بدین شرح میباشد:



در معاملات بانکی اگر متعهد در صورت کوتاهی در بازپرداخت سررسید قسط خود باعث خسارت به طلبکار در صورت کاهش بودن نرخ ارزش پول میشود. در صورت راکد ماندن پول و تاثیرگذاری تورم عملا قدرت و ارزش آن کاسته شده و در صورتی که مدیون در قسط اعلامی خود عدم بازپرداخت را منجر شود به مانند ضربه به ارزش ارز یا مال دائن شده و از طرف مدیون الزامی برای پرداخت دین ایجاد میشود. زیرا قوای پشتیبانی برای پول به میزان ارزش آن است و کاهش ارزش آن همانند از بین رفتن مال در نظر گرفته میشود؛ جبران آن بر متعهد له بوده و تاخیر در پرداخت در صورت ایجاد خسارت و ضرر بر او واجب است که از تلف کردن مال دائن جلوگیری و جبران کند. آیت الله سیدکاظم حائری در باب رعایت این امر بر غاصب بودن مدیونی تاکید میکند که تاخیر ادای دین او عمدی بوده و شخص مقصر را ضامن میدانند. (حائری، 1389) همچنین آیت الله بهجت درباره این امر میفرماید: منصرف از وجه رایج در زمان تعیین مهر قدرت خرید است و مرجع تشخیص، عرف مطلع به قیمت ها است. (ملک پور، 1386) با نگاه به کتب و آرای فقهی اینطور استنباط میشود که بانک یا طلبکار میتواند به کمک قاعده لاضرر و لا ضرار میزان ارزش کاسته شده از پول یا مال را در بازه زمانی بین تاریخ سررسید و پرداخت دیرکرد، طلب کرده و صحیح است. لذا مجوز شرعی به بانک داده شده تا مبلغی را به عنوان خسارت وارده تحت ضمان کاهش ارزش پول دریافت نمایند.



## نتیجه گیری

بانک‌ها امروزه با وجود پیچیدگی و گستردگی بیش از حد ارتباطات بین فردی تبدیل به یکی از بازوان اقتصادی کشور شده تا جایی که در هر معامله‌ای شخص ثالثی به مانند سیستم بانکی می‌باشد. حال در این معامله‌های بی حد و حصر امروزی سه امر دین، دائن و مدیون بیش از هر چیز در مسائل بانکی کشور به چشم می‌خورد؛ با بررسی ادله فقهی و سیستم بانکی کشور ایران مبین به این وضعیت شدیم که در معاملات و قرارداد بانکی، مدیون متعهد می‌شود که در صورت عدم پرداخت سرسید قسط دین خود، مبلغی به عنوان جریمه به دائن که در حوزه پژوهش مقاله به منظور بانک تلقی می‌شود بپردازد. البته در ابتدای امر این مسئله با نزدیکی هستی‌شناختی ذات امر وجودی خود به مانند ربا در نظر گرفته شده که با نگاه به دیدگاه‌های فقهی مختلف درصدد تبیین عدم ربوی بودن جریمه دیرکرد برآمدیم.

بانک و یا دائن در صورت پرداخت پول، کالا و به طور کلی ارزش به مدیون در خود قرارداد وجه اشتراطی به منظور و مبنای وجه التزام، می‌تواند نسبت به اخذ جریمه اقدام کند. مشروعیت دریافت خسارت تاخیر تادیه همانطور که بررسی شد بر مبنای ضمانت کاهش ارزش یک ارزش یا پول می‌باشد. مدیون در صورت گذشت از سرسید قسطی دین خود و کاهش ارزش پول می‌بایست درصدد جبران این خسارت و کاهش ارزش برآمده و این موضوع بر ذمه او می‌باشد. در واقع میزان مبلغ دریافتی خسارت برابر با میزان کاهش ارزش پول که توسط بانک مرکزی اعلام شده می‌باشد. نرخ جریمه دیرکرد بر مبنای تراضی طرفین بوده و شرط موجود در قرارداد هم مشروعیت داشته و روا می‌باشد. کلیه مطالبات بانکی که کمتر از 6 ماه و بیشتر از 2 ماه از تاریخ سرسید قسط پرداخت آن گذشته باشد را اقساط سرسید گذشته مینامند؛ حال نرخی که در حال حاضر به صورت مستند مورد استفاده قرار می‌گیرد از جمع سود متعارف تسهیلات بانکی کشور و 6 درصد می‌باشد که به صورت بند شرط در تراضی طرفین می‌باشد. برای این امر متصور شرایطی باید شد که به صورت گزاره روبرو می‌باشد:

دریافت تسهیلات به همراه یک قرارداد یک ساله مضاربه‌ای تضمینی با سود 12 درصد و به مبلغ 500 میلیون ریال و سود 60 میلیون ریالی یکساله؛ در صورت عدم پرداخت مدیون در طی گذشت 2 سال از سرسید قسط خود و ارائه دادخواست مطالبه توسط بانک، مدیون می‌بایست 720 میلیون ریال با توجه به دین و قرارداد خود بپردازد. هر سال 60 میلیون ریال و به ازای هر دو سال 120 میلیون ریال + مبلغ 180 میلیون ریالی به عنوان سود و سود پس از سرسید + مبلغ 6 درصد خسارت دیرکرد

مبین شد که جریمه دیرکرد به دو صورت و وجه مختلف اخذ می‌شود: 1- شرط کیفری مالی و 2- تعزیرات مالی. غایت این دو صورت به عنوان متنبه شدن مدیون در برابر عدم پرداخت دین خود می‌باشد که با عمل خود موجب امری می‌شود که در نتیجه دائن متضرر می‌شود. اخذ خسارت تاخیر تادیه اصولاً براساس کاهش ارزش یک ارزش یا پول و ضمانتی که بر این امر استوار است می‌باشد. دارای ماهیتی ترمیمی بوده که به دنبال امر جبران خسارت وارده می‌باشد، میزان و حدود حدات آن بستگی به محکمه قانونی داشته و به اندازه خسارت وارده پرداخت می‌شود. حال آنکه جریمه دیرکرد به عنوان وجه التزامی برای پرداخت دین توسط مدیون بوده و دریافت آن در صورت درج به صورت شرط داخلی قرارداد می‌باشد؛ همچنین مبلغ آن به تراضی طرفین بستگی دارد و نمایی از تعزیر مالی و جنبه کیفری به خود دارد.

## منابع

انصاری، مرتضی بن محمد امین (1392). کتاب المکاسب: المجرمه. چاپ هشتم. تهران: نشر دارالحکمه

- امیدی فرد، عبدالله (1386). *آشنایی با فقه جواهری*. چاپ دوم. قم: نشر دانشگاه قم
- تسخیری، محمدحسین (1385). *القواعد الأصولیة و الفقهيّة*. چاپ دهم. تهران: نشر المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامیة. المعاونیة الثقافیة
- خوبی، محمدتقی (1414). *الشروط أو الالتزامات التبعية فی العقود*. چاپ اول. بیروت: نشر دارالمؤرخ العربی
- حسینی حائری، سید کاظم (1389). *منهاج الصالحین: المعاملات*. چاپ اول. قم: نشر دار البشیر
- حراملی، محمدبن حسن (1386). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. چاپ دهم. تهران: نشر کتابچی
- ژان ژاک روسو، *قرارداد اجتماعی*. ترجمه: سعید حبیبی (1390). تهران: نشر ابر سفید
- شریف الرضی، محمدبن حسین (1391). *ترجمه نهج البلاغه*. چاپ سوم. قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)
- طباطبائی، محمد بن علی (1390). *المناهل*. چاپ هجدهم. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث
- طباطبائی، سید محمدحسین (1378). *تفسیر المیزان*. چاپ پنجم. تهران: بنیاد علمی فکری علامه طباطبائی
- ظهیری، عباس (1383). *معمد تحریر الوسیله للامام الخمینی: المسائل المستحدثه*. چاپ اول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- عزیزاللهی، محمد مهدی (1393). *تحریر المکاسب شیخ مرتضی انصاری*. چاپ اول. تهران: نشر امجد
- قربانیان، رضا (1379). *رساله آموزشی: منتخبی از توضیح المسائل و استفتائات حضرت امام خمینی*. چاپ چهل و سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- کاتوزیان، ناصر (1390). *قانون مدنی با آخرین اصلاحات بانضمام قانون مسئولیت مدنی*. چاپ ششم. تهران: نشر امجد
- موحدی لنکرانی، محمد فاضل (1384). *جامع المسائل*. چاپ یازدهم. قم: امیر العلم وابسته به دفتر آیت الله فاضل لنکرانی
- مکارم شیرازی، ناصر (1374). *رساله توضیح المسائل*. چاپ دوم. قم: نشر قدس
- منتظری، حسینعلی (1379). *مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه) دولت و حکومت*. چاپ دوم. تهران: نشر سراسی
- ملک پور، محسن (1386). *رساله آموزشی حضرت آیت الله العظمی بهجت (دامت برکاته)*. چاپ دوم. قم: نشر نسیم کوثر
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (1395). *توضیح المسائل*. چاپ پنجم. تهران: نشر سوره مهر
- نوری همدانی، حسین (1374). *رساله توضیح المسائل*. چاپ چهارم. تهران: نشر مؤلف
- نجفی، محمدحسین باقر نجفی (1395). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. چاپ سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

# 15<sup>th</sup> International Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

Archive of SID

13 MARCH, 2024 | TEHRAN

پانزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۲۳ اسفند ۱۴۰۲ | تهران

۱۵



ISC<sub>CM</sub>

International Science Citation Center

OxfordCert  
UNIVERSAL

یوسفی, احمدعلی (1381). ربا و تورم: بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر